

# جشنواره مطبوعات امسال کانون سالی مثل بقیه سال‌ها

O سمیه علیپور، مهدی طهوری

شاید بتوان گفت یکی از بزرگ‌ترین اتفاقاتی که امسال، در حیطه کودک و نوجوان افتاد، برگزاری ششمین جشنواره مطبوعات کودک و نوجوان بود. این جشنواره، از ۱۶ آذر ماه آغاز به کار کرد و تا ۲۳ آذر ماه ادامه یافت. روز چهارشنبه ۱۹ آذر ماه، بیانیه هیئت داوران خوانده شد و طی مراسمی، از برگزیدگان مطبوعات کودک و نوجوان در دو سال گذشته، قدردانی شد و داوران در ۱۳ رشته، برگزیدگان نشریات کودک و نوجوان را معرفی کردند. به همین بهانه، کتاب ماه کودک و نوجوان، به معرفی اجمالی نشریات

کودک و نوجوان حاضر در عرصه مطبوعات کشور می‌پردازد. این امر تا حدودی انجام گرفت و تا آن جا که دوستان ما در این نشریات یاری کردند، توانستیم اطلاعات نسبتاً جامعی از آن‌ها دریافت کنیم. جدا از این، یکی از نقطه‌های حساس در هر جشنواره‌ای، داوری آن جشنواره است. بنابراین، چند سؤال نیز طرح و در اختیار داوران قرار داده شد. کوشیدیم در هر گروه داوری، دست کم با یک داور تماس بگیریم و دیدگاه‌های وی را بازتاب دهیم. حال، این شماست و این حاصل تلاش ما.

## بخش اول: معرفی نشریات کودک و نوجوان

مخاطبین خود را در سراسر کشور داراست. البته، فعلاً توزیع این نشریه به دلیل اشتباه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بعد از ۱۰ شماره، متوقف شده و برای مشترکین مشکل به وجود آمده است.

۲. در حال حاضر، رفع اشتباه و سوء تفاهم، مهم‌ترین مشکل ماست که در صورت رفع شدن آن، حوزه پخش نشریه گسترش خواهد یافت و فرصت هفتگی شدن نشریه و بالا رفتن تیراژ آن، فراهم می‌شود.

۳ - برطرف نشدن اشتباه وزارت ارشاد و باقی ماندن مشکلات، می‌تواند تمام تحقیقات و تجربه‌ها و انرژی انسانی و مالی این مجموعه را به خطر بیندازد. در نتیجه، آینده‌ای برای گفت و گو باقی نمی‌ماند.

باران

سردبیر: حسن احمدی

روش نشریه: عقیدتی، فرهنگی، هنری-ادبی، قرآنی

مخاطب: نوجوانان

دوره انتشار: ماهنامه

تعداد صفحات: ۶۰

قیمت: ۱۰۰ تومان

حسین احمدی، متولد ۱۳۳۸، در شهرستان میانه است، وی از دوران کودکی، در تهران بزرگ شده و در دانشکده صدا و سیما، کارگردانی سینما خوانده است. احمدی از سال ۶۰ تا کنون، در مطبوعات مشغول به کار است. از سال ۵۸-۵۷ نیز در زمینه ادبی کار می‌کرده و از سال ۶۰ تا امروز، پانزده شانزده جلد کتاب داستان، رمان و... چاپ کرده است. هم چنین، هفت هشت کار گردآوری داشته است. او کار تهیه هم در تلویزیون انجام داده است. حسن احمدی، در سال ۱۳۷۶، سردبیری ماهنامه احسان را به عهده داشت. از آثار او می‌توان به این‌ها اشاره کرد، دانی و مانی، بوی خوش سیب، باران که می‌بارید، داستان هفته، آینه سرخ، به خاطر پرنده‌ها، دست‌ها سوزن‌ها، تک درخت سیب، یک سبد تمشک، یک پروانه، هزار پروانه و توپ

نخست به معرفی نشریات کودک و نوجوان می‌پردازیم. سعی کرده‌ایم با تمامی آن‌ها یا لاقلاً بخش بزرگی از آن‌ها تماس بگیریم تا همه بتوانند خودشان را معرفی کنند. حالا اگر سر دبیر نشریه‌ای دلش نخواستند چند خط درباره نشریه خود به ما بگویند تقصیر ما نیست.

سؤال‌های ما عبارت بود از:

۱. شرایط امروز مجله شما چگونه است؟ چه امکاناتی، چه موانعی و چه مشکلاتی دارید؟

۲. اگر تمام امکانات و شرایط برای مجله فراهم باشد، مجله به کدام سمت و سو خواهد رفت (آینده ایده آل مجله شما چیست؟)

۳. با وجود مشکلات و موانع کنونی، آینده نشریه چگونه خواهد بود؟

بادبادک

سردبیر: زهرا فرمانی حقیقی

روش نشریه: فرهنگی، هنری، سرگرمی، تاکید بر جنبه آموزشی غیر مستقیم و نیز صلح و دوستی.

مخاطب: ۳ تا ۷ سال

تعداد صفحات: ۱۲

زهرا فرمانی، متولد ۱۳۳۴ و در رشته روان‌شناسی کودک، تحصیل کرده است. او از سال ۱۳۵۸، به تالیف و ترجمه کتاب‌های کودک پرداخته و در زمینه نشر کتاب‌های پارچه‌ای و تحقیق و تالیف کتاب برای کودکان معلول نیز سابقه دارد. هم چنین، او با مؤسسه پژوهشی کودکان دنیا و شورای کتاب همکاری داشته است. پاسخ او را به سؤال‌های کتاب ماه می‌خوانید:

۱. امکانات نشریه ما، ارتباط مستقیم آن با مؤسسه پژوهشی کودکان دنیاست که یک مؤسسه داوطلب فرهنگی به شمار می‌رود. این نشریه

سرخ صاعقه.

پاسخ‌های آقای احمدی را به سؤال‌های کتاب ماه می‌خوانید:

۱. یکی از مشکلات، شرایط چاپ و لیتوگرافی و مشکل بعدی، مشکل پخش مجله است. مسئله بعدی پایین بودن حق الزحمه بچه هاست. سازمان اوقاف، بودجه محدودی به ما تخصیص داده که در نتیجه، حق الزحمه کارکنان بسیار کم می‌شود. من موقع دادن حق الزحمه‌ها واقعاً خجالت می‌کشم. اکثر همکاران ما، از سر دوستی با ما همکاری می‌کنند. امکانات ما در حد دو اتاق و یک خط تلفن و یک خط فاکس است. در واقع، امکانات ما، امکاناتی مظلومانه و غریبانه است.

۲. هدف اصلی ما جلب رضایت خوانندگان مجله است. اگر این شرایط فراهم شود، هم بر تیراژ مجله تاثیر می‌گذارد و هم باعث دلگرمی دست‌اندرکارانی است که با نشریه کار می‌کنند. بعد از یک بار تعطیل شدن نشریه هر لحظه این امکان را می‌دهیم که بگویند ادامه ندهید و مجله را تعطیل کنید. اگر شرایط مناسب باشد، می‌توان خبرنگاران افتخاری را به عنوان همکار جذب کرد.

۳. ما دست و پا شکسته پیش می‌رویم تا جایی که خدا بخواهد. به همین شکل مجله در می‌آید؛ با همین وضعیت چاپ و وضعیت توزیع نامناسب.

### بچه‌ها... گل آقا

سردبیر: پوپک صابری فومنی

روش نشریه: طنز، اجتماعی، انتقادی، هنری، سرگرمی

مخاطب: پس از تعطیلی نشریات محدود طنز و کاریکاتور (از جمله هفته نامه گل آقا) و کمبود نشریات طنز و کاریکاتور برای مخاطبان جوان و حتی بزرگسال، مخاطبان جوان هم به مطالعه این نشریه روی آورده‌اند و به عبارتی، تمام مخاطبان کودک، نوجوان و جوان بچه‌ها... گل آقا از این نشریه انتظار طنز و کاریکاتور در محدوده سنی خودشان را دارند.

دوره انتشار: هفته نامه

تعداد صفحات: در حال حاضر، مجله بچه‌ها... گل آقا، در ۳۲ صفحه منتشر می‌شود، ولی تقریباً یک شماره در میان، به صورت یک مجله در مجله اختصاصی، با موضوعات متنوع علمی، ورزشی، سینمایی، ترجمه و... در ۴۰ صفحه و با همان قیمت انتشار می‌یابد.

پوپک صابری فومنی، متولد ۱۳۵۲ و دارای مدرک کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی و کارشناسی ارشد ارتباطات است. او از سال ۱۳۷۰، در مؤسسه گل آقا شروع به کار کرده و اکنون، علاوه بر سردبیری بچه‌ها... گل آقا، مدیریت مؤسسه گل آقا را نیز بر عهده دارد. پوپک صابری، در پاسخ ما چنین می‌گوید:

۱. قبل از شروع انتشار بچه‌ها... گل آقا، بیشتر دست اندرکاران ادبیات و مطبوعات کودک و نوجوان، انتشار یک هفته نامه تخصصی در زمینه طنز و کاریکاتور برای کودکان و نوجوانان را امری محال می‌دانستند، اما خوشبختانه، همکاران مؤسسه گل آقا تا امروز (که بچه‌ها... گل آقا در پنجمین سال انتشارش است) توانستند به این آرزوی بزرگ جامه عمل بپوشانند و البته، در این راه از کمک‌های بزرگان ادبیات و طنز کشور هم بهره برده‌اند.

احتمالاً این موضوع که تا قبل از انتشار بچه‌ها... گل آقا، هیچ نشریه تخصصی طنز و کاریکاتوری برای کودکان و نوجوانان وجود نداشته، نشان دهنده این است که کار ساده‌ای نیست. کم بودن کاریکاتوریست‌ها و طنز پردازانی که بتوانند برای گروه سنی کودک و نوجوانان کار کنند، گران‌تر بودن هزینه‌های یک نشریه طنز و کاریکاتور، نسبت به بقیه نشریات و کم توجهی مسئولان به مطبوعات طنز و کاریکاتور مرتبط به کودکان و نوجوانان، از جمله مشکلات موجود است. اما عمده‌ترین مشکل نشریات کودک، مشکل توزیع



مجله در کیوسک‌های مطبوعاتی است که جای مناسبی برای بچه‌ها نیست. البته، نشریه بچه‌ها... گل آقا، یک نشریه خصوصی و بدیهی است که مانند سایر نشریات کودک نیاز به حمایت دارد و این حمایت، توسط مؤسسه گل آقا انجام می‌شود.

۲. قطعاً؛ چون در هر حال، تنها نشریه طنز و کاریکاتور است. ایده آل‌ها هم زیادند؛ از جمله تحقق شعار بچه‌ها... گل آقا، یعنی شادی حق بچه هاست، به حقوق بچه‌ها احترام بگذاریم، انتشار اولین روزنامه طنز و کاریکاتور برای کودکان و نوجوانان، داشتن توانایی و امکانات برای کشف استعدادها طنز و کاریکاتور نوجوانان در سراسر ایران و مطرح کردن آثار آن‌ها و...

۳. آینده و امید، به نحوی تداعی کننده یکدیگرند. امیدوارم مؤسسه گل آقا بتواند بچه‌ها... گل آقا را هر هفته بهتر از هفته گذشته منتشر کند و با تربیت طنز پردازان و کاریکاتوریست‌های نوجوان و جوان، به قول آقای رضی هیرمند (مترجم آثار شل سیلور استاین)، فانوس طنز را در ایران روشن نگه دارد.

**بچه‌های شرق**

سردبیر: احمد غلامی

روش نشریه: گزارش نشریه به سمت هنر و ادبیات است، اما می‌کوشد به حیطه‌های عام مثل ورزشی، علمی و سرگرمی نیز توجه کند و تنوع و جذابیت یک هفته نامه را داشته باشد. البته در اصل، دوست دارد به قصه‌های ایرانی و خارجی توجه کند. نقد کتاب و نقاشی نیز از دیگر زمینه‌های مورد توجه نشریه است.

مخاطب: ۱۰ تا ۱۶ ساله ها

دوره انتشار: هفته نامه

هفته نامه بچه‌های شرق، زیر مجموعه روزنامه شرق است. اولین شماره این نشریه، ۱۸ آذر ماه امسال منتشر شد.

احمد غلامی، نویسنده بزرگسال و دارای آثاری در حیطه‌های مختلف است. او سال‌هاست که در نشریات بزرگسال قلم می‌زند، اما از سوابق حضور او در نشریات کودک و نوجوان، می‌توان به سردبیری کیهان بچه‌ها اشاره کرد.

پاسخ احمد غلامی، به سؤال‌های کتاب ماه:

۱. ما فکر می‌کنیم این نشریه، هنوز به صورت کامل و پخته در نیامده است. یکی دو ماهی باید بگذرد تا کیفیت مجله بالا برود. علاوه بر این، ما مایل هستیم که تعداد صفحه‌ها را بالا ببریم.

۳. چون نشریه شرق، ضمیمه روزنامه شرق است، آینده آن به طور مستقیم به روزنامه شرق بستگی دارد؛ یعنی هر مشکلی که برای روزنامه پیش بیاید، دامنگیر «بچه‌های شرق» هم خواهد شد.

**برهان**

سردبیر: خسرو داوودی

روش نشریه: مجله تخصصی ریاضی (مطالب تکمیلی و توسعه‌ای برای ریاضیات دوره راهنمایی)

مخاطب: دانش‌آموزان دوره راهنمایی

تعداد صفحات: ۶۴

قطع: رحلی

خسرو داوودی، متولد ۱۳۴۹ و دارای مدرک لیسانس است. از هشت سال پیش تاکنون، او سردبیر مجله برهان است و با مجلات رشد نوجوان، رشد معلم، رشد آموزش ابتدایی نیز همکاری دارد. او در پاسخ سؤالات کتاب ماه می‌نویسد:

۱. با توجه به این که مجله به قسمت مجلات رشد منتقل شده، وضعیت آماده سازی و تولید بهتر شده، اما هنوز در توزیع مجله مشکلاتی وجود دارد.

۲. ما به سمتی می‌رویم که از نوشته‌ها و طرح‌ها و ایده‌های دانش‌آموزان بیشتر استفاده کنیم و با مخاطبان ارتباط بهتری داشته باشیم.

۳. گمان نمی‌کنم تا دو سال آینده، تغییر زیادی در مجله به وجود آید و همین روال، فعلاً ادامه پیدا می‌کند.

**برهان**

سردبیر: حمیدرضا امیری

روش نشریه: مجله تخصصی ریاضی

مخاطب: دانش‌آموزان دوره دبیرستان

تعداد صفحات: ۶۴

قطع: رحلی

حمیدرضا امیری، متولد ۱۳۴۲، در تهران است. او مسئولیت گروه ریاضی انتشارات مدرسه را نیز به عهده دارد. آقای امیری، پاسخ‌های آقای داوودی را درباره مجله برهان کافی دانست.

**پندار**

سردبیران: علی اصغر سیدآبادی، وحید طوفانی، فریدون عموزاده خلیلی،

**مناف یحیی‌پور**

روش نشریه: فرهنگی، اجتماعی، ورزشی، سیاسی

مخاطب: دوره متوسطه

دوره انتشار: هفتگی

تعداد صفحات: ۱۶

قیمت: ۵۰ تومان

علی اصغر سیدآبادی، متولد ۱۳۵۰، در روستای سید آباد سبزوار است. او کارشناسی ارتباطات اجتماعی، با گرایش روزنامه نگاری را از دانشگاه علامه طباطبایی دارد و تاکنون مسئولیت‌های متعددی داشته است؛ از جمله سردبیری هفته نامه خانه و مسئولیت واحد کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. او هم اکنون یکی از دبیر سرویس‌های روزنامه یاس نو، عضو هیات مدیره انجمن نویسندگان کودک و نوجوان و دبیر تحریریه مجله پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان است. از آثار اوست: مینی بوس دایی، قشنگ‌ترین گردنبند دنیا، وقتی پدر بزرگ بیاید، معصومه، خانم معلم و آقای نقاش، مجموعه شعر چشم‌های تو بوی سیب می‌دهد و کتاب بررسی انتقادی شعر کودک و نوجوان.

۱. بزرگ‌ترین مشکل مطبوعات کودک و نوجوان ایران، مساحت بزرگ دایره موضوعات ممنوعه است؛ دایره‌ای که بسیار بزرگ‌تر از دایره موضوعات ممنوعه جامعه است. به همین دلیل، این مطبوعات را کسی نمی‌خواند و تا وقتی این مشکل حل نشود، در بر همین پاشنه‌ای خواهد چرخید که دارد می‌چرخد. به نظر من، مهم‌ترین کاری که در حق این مطبوعات می‌توانیم انجام بدهیم، نه سر ریز کردن سوبسیدهای ریز و درشت به این نشریات است، نه دادن امکانات دولتی، بلکه به چالش کشیدن دیدگاه‌های تربیتی حاکم بر این نشریات است. به نظر من، فوری‌ترین و مهم‌ترین کار، نقد رادیکال نگرش تربیتی حاکم بر نشریات کودک و نوجوان است.

**پوپک**

سردبیر: عبدالله حسن‌زاده

روش نشریه: فرهنگی، ادبی

مخاطب: کودکان

دوره انتشار: ماهنامه

عبدالله حسن‌زاده، متولد ۱۳۳۶، در شهر آمل است. او دارای تحصیلات «خارج فقه اصول»، در حوزه علمیه است و مسئولیت معاون فرهنگی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم را به عهده دارد. آقای حسن‌زاده، در پاسخ سؤال‌های کتاب ماه می‌گوید:

۱. ما امکانات خوبی برای راه اندازی و اداره مجله در اختیار داریم. یک مشکل عمومی برای تمام نشریات کودک و نوجوان وجود دارد و آن، مشکل توزیع است. مخاطب ما بچه مدرسه‌ای‌ها هستند. ای کاش آموزش و پرورش، اجازه می‌داد که مجلات دیگر نیز در کنار مجلات رشد، در مدارس حضور داشته باشند تا بچه‌ها در بین مجلات، حق انتخاب داشته باشند. این همه شعار برای حق انتخاب وجود دارد، اما در مورد مجلات کودک و نوجوان، حق انتخابی وجود ندارد. اگر رشد دانش‌آموز ۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار تیراژ دارد، این امر دلیل بر آن نیست که ذاتاً این نشریه قابلیت این تیراژ را دارد. آن‌ها مدرسه‌ها را در اختیار دارند و در مدرسه‌ها را هم که به روی بقیه نشریات بسته‌اند. بنابراین، تیراژشان بالا می‌رود. البته، منظورم کسانی که در این نشریات کار می‌کنند، نیست؛ آن‌ها همکار ما هستند. منظور من، سیاست آموزش و پرورش است.

۲ و ۳. تلاش ما همواره این بوده که نشریه روز آمد باشد و ما هر روز و هر شماره، در پی این موضوعیم. البته، به دنبال این هم هستیم که هر شماره بهتر از شماره قبل باشد.

### تیک تاک (ضمیمه روزنامه جام جم)

سردبیر: پدram پاک‌آیین  
روش نشریه: علمی، فرهنگی، ادبی، ورزشی، اجتماعی  
مخاطب: ۱۰ تا ۱۸ سال  
دوره انتشار: هفتگی  
تعداد صفحات: ۱۶

۳. تیک تاکی‌ها می‌نویسند، به امید روزی که صمیمی‌ترین دوست همه نوجوانان ایرانی، صبح پنج‌شنبه از راه برسد.

### جهاد روستا

سردبیر: کاظم شکری  
روش نشریه: آموزشی، ترویجی، (اجتماعی، اقتصادی، کشاورزی)  
مخاطب: نوجوانان و جوانان  
دوره انتشار: ماهنامه

کاظم شکری، متولد ۱۳۳۸، در بیجار است. او دبیر سرویس‌های «فرهنگ و اندیشه» و «ادب و هنر» روزنامه همشهری بوده، عضویت شورای سردبیری روزنامه صبح امروز را به عهده داشته و سردبیر روز هفتم نیز بوده است. او هم اکنون سردبیر نشریه «مشاور خانواده» است.  
با وجود پیگیری، نتوانستیم جواب سؤال‌ها را از سردبیر دریافت کنیم.

### دوچرخه (ضمیمه روزنامه همشهری)

سردبیر: لیلا رستگار  
مخاطب: نوجوانان  
دوره انتشار: هفتگی

با وجود سه بار تماس و ارسال سؤالات به صورت نمابر، نتوانستیم پاسخی از این نشریه دریافت کنیم. آخرین تماس ما، در تاریخ ۲۴ آذر ماه صورت گرفت.

### دوست کودکان

سردبیر: سیامک سردی  
روش نشریه: فرهنگی، هنری، اجتماعی  
مخاطب: کودکان تا اول راهنمایی  
دوره انتشار: هفتگی

سیامک سردی، از سال ۱۳۶۵، فعالیت خود را با همکاری با انتشارات گنجینه آغاز کرده است. ترجمه متن‌های علمی و همکاری با صفحه‌های علمی سروش نوجوان، از دیگر فعالیت‌های اوست. او از جمله افرادی بود که نشریه گنبد کبود را راه اندازی کردند. پاسخ‌های سردی را می‌خوانیم.  
۱. مشکل نشریه ما وضعیت توزیع آن است. رسانه‌ها باید نشریات کودک و نوجوان را معرفی کنند.

۲. ما آرزو داریم تا یک روز، هر دانش‌آموز و هر کودک ایرانی، برای تحقیق و به دست آوردن اطلاعات و مطالعه، از مطالب مجله استفاده کند.

### دوست نوجوان

سردبیر: افشین علا  
مخاطب: نوجوانان  
دوره انتشار: هفتگی

افشین علا، متولد ۱۳۴۸، در شهر نور و لیسانسیه علوم سیاسی، از دانشکده حقوق دانشگاه تهران است. او تا کنون مسئولیت‌های فراوانی داشته است: از جمله راه‌اندازی و سردبیری روزنامه گنبد کبود، عضویت در شورای شعر واحد موسیقی صدا و سیما و سردبیری مجله صدف که برای ایرانیان خارج از کشور منتشر می‌شود. از آثار اوست: یک عالم پروانه، یک سبد بوی بهار، نسیم دختر

باد، ترانه‌های لیلی، خوش به حال ماهی‌ها و خاطرات مه گرفته.

پس از تماس با آقای سردی، شماره تلفنی از او برای مصاحبه با سردبیر دوست نوجوان گرفتیم، اما پس از تماس بسیار، نتوانستیم کسی را از طریق آن شماره تلفن پیدا کنیم.

### رشد جوان

سردبیر: مناف یحیی‌پور  
روش نشریه: آموزشی  
مخاطب: مقطع تحصیلی متوسطه  
دوره انتشار: ماهنامه  
تعداد صفحات: ۶۴

مناف یحیی‌پور، متولد ۱۳۴۷ است و لیسانس روزنامه نگاری دارد. او مدیر داخلی هفته نامه خانه، دبیر تحریریه آینده سازان، مدیر تحریریه آفتاب امروز، سردبیر فصلنامه هنر هشتم و از بازرسان انجمن نویسندگان کودک و نوجوان بوده است. یحیی‌پور در حال حاضر، علاوه بر رشد جوان، عضو شورای سردبیری هفته نامه پندار نیز هست.

۱. رشد جوان هم کم و بیش مثل بقیه مجله‌هاست و در مجموع، نه امکانات فوق‌العاده و خاصی دارد، نه با موانع و مشکلات عجیب و غریبی روبه روست. البته، وابستگی به آموزش و پرورش ممکن است تصویر رؤیایی امکان توزیع در مدارس را به نظر بیاورد که به نظر من، هر امتیاز و امکانی، آفت یا آفاتی هم به همراه دارد که شاید یکی از آن‌ها فاصله زمانی بین تهیه و تولید تا چاپ و بالاخره رساندن مجله به دست مخاطب باشد. اما فکر می‌کنم مشکل جدی‌تر ما و همه نشریاتی که برای مخاطبان کودک و نوجوان منتشر می‌شوند، نداشتن پشتوانه پژوهشی - مطالعاتی، برای شناختن زوایای نه‌چندان آشکار روحیه و سلیقه و خواسته‌ها و نیازهای مخاطبان و به ویژه تغییر و تحول روز به روز و لحظه به لحظه این سلیقه‌ها و خواسته‌ها و نیازها باشد.

### رشد دانش آموز

سردبیر: بهروز رضایی  
روش نشریه: آموزشی، فرهنگی، تربیتی، سرگرمی  
مخاطب: دانش‌آموزان چهارم و پنجم ابتدایی (طیف مخاطب بسیار محدود و شامل ۸۰۰ هزار تن از دانش‌آموزان فقط چهارم و پنجم دبستان در سراسر ایران است).  
دوره انتشار: ماهنامه  
تعداد صفحات: ۳۳  
قطع: رحلی

بهروز رضایی، متولد ۱۳۴۷، در یکی از روستاهای اردبیل است. او کارشناسی الهیات دارد و تاکنون سردبیر امید آینده و شهردار مدرسه بوده است. ویراستاری مجله آینده سازان و امید آینده نیز از دیگر فعالیت‌های پیشین اوست. او از سال ۱۳۶۶، به طور مستمر در مطبوعات کودک و نوجوان حضور داشته و در عین حال، در مطبوعات بزرگسال نیز به صورت پراکنده مشغول به کار بوده است.

۱. ما در مجلات رشد با مشکل و خطر عمده‌ای روبه‌رویم. مشکل ما فاصله نسبتاً زیاد بین تولید و توزیع مجلات است. مثلاً وقتی رشد دانش‌آموز از چاپ خارج می‌شود، باید حداقل یک ماه صبر کند تا دیگر برادران و خواهرانش هم از راه برسند و آن وقت همگی راهی سفر به استان‌ها و شهرستان‌ها و روستاها شوند، پس یک ماه زمان برای چاپ لازم داریم. توزیع ۲/۵ میلیون نسخه مجله، دست کم ۱۵ روز زمان می‌خواهد و برای تولید محتوا هم که یک ماه زمان صرف کرده‌ایم. همه این‌ها باعث شده است ما مقداری از زمان عقب باشیم. البته، این مشکل در اغلب مجلات کودک و نوجوان شایع است، اما تفاوت ما با آن‌ها در تعطیلات تابستان است که ما به یک تعطیلات چهار ماهه



می‌رویم. فکریایی شده است که بر این مشکل غلبه کنیم و ان شاء الله، از تابستان سال آینده، این فکرها خودش را نشان خواهد داد.

خطری هم که به گمان من می‌تواند روی کیفیت تأثیر بگذارد و همیشه باید مراقب آن باشیم، چیزی است که من اسم آن را «مخاطب مطمئن» گذاشته‌ام. این خطر، به این شکل برای دیگر مجلات وجود ندارد، اما در مجلات رشد که تا دورترین نقاط کشور ما می‌رسد و در خیلی از نقاط، تنها مجله در دسترس است، می‌تواند خطر مهمی به حساب آید. ما باید با در نظر گرفتن نیازهای روز مخاطب و نظر سنجی مستمر درباره مجله، از آسودگی خیال سردبیران و خدای ناکرده تنزل کیفی مجلات پیش‌گیری کنیم.

۲. دستیابی به سرعت بالای چاپ و توزیع، خود به خود موجب می‌شود که مجله در مسایل اجتماعی نقش مؤثرتری بیابد و از مسایل روز اجتماعی که امروزه گاه به سرعت تغییر می‌کند، عقب نماند. البته، در این زمینه می‌کشیم تا با پیشروی در بقیه زمینه‌ها، این خلا را جبران کنیم.

### رشد کودک

سردبیر: دکتر افضل السادات حسینی

روش نشریه: آموزشی، فرهنگی، تربیتی و ادبیات کودک  
مخاطب: کودکان (آمدگی و سال اول دبستان)

دوره انتشار: ماهنامه

تعداد صفحات: ۱۶

قطع: رحلی

دکتر افضل السادات حسینی، متولد ۱۳۴۲ است و تالیف چندین کتاب را در کارنامه خود دارد. مقالات گوناگونی نیز از او، تاکنون منتشر شده است.

۱. این مجله در سال جاری، حرکت تازه‌ای آغاز کرده که شاید در سایر مجلات کودک و نوجوان، تاکنون توجه کافی و لازم به آن نشده باشد و آن، برانگیختن توانمندی‌های خلاق در کودکان است. البته در این راه، با موانعی مانند شرایط چاپ نامناسب روبه‌رو بوده است. لذا مجله از لحاظ ظاهر و شرایط چاپ و کاغذ، چندان مطلوب نیست.

۲. نه تنها محتوای مجله در راستای رشد توانمندی‌های کودکان خواهد بود، خود مجله هم با طرحی جدید و شرایطی مناسب و تازه، ارائه خواهد شد.

۳. از لحاظ محتوایی بی‌رقیب، از لحاظ ظاهری غیر قابل توجه!

### رشد نوآموز

سردبیر: شکوه تقدیسیان

روش نشریه: تربیتی، آموزشی، اجتماعی، مذهبی، ادبی  
مخاطب: دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم

دوره انتشار: ماهنامه

تعداد صفحات: ۳۲

قطع: رحلی

شکوه تقدیسیان، ۱۵ سال سابقه کار مطبوعاتی دارد و بازنشسته آموزش و پرورش است. او دارای مدرک فوق لیسانس است و در پاسخ کتاب ماه کودک و نوجوان، چنین می‌نویسد:

۱. ما امروز در شرایط بسیار خوب و مطلوبی هستیم، ولی انتظار رشد بیشتر و مطلوب‌تری از مجله داریم. ما به لحاظ مخاطب، امکانات نسبتاً خوبی داریم و شرایط همکاری و همفکری بسیار مناسبی در بین سردبیران مجلات رشد مشاهده می‌شود که در پیشرفت و رشد کیفی مجلات رشد مؤثر است و امکانات لازم از سوی مدیر مسئول مجلات در اختیار ما قرار می‌گیرد.

۲. ایده آل برای مجله ما، این است که بتوانیم تمامی دانش‌آموزان گروه سنی خود را تحت پوشش مطالعاتی مجله قرار دهیم و در رشد فکری و ارتقای

سطح علمی آنان و هم چنین جامعه‌پذیرتر کردن آن‌ها، نقش داشته باشیم. یکی از مهم‌ترین هدف‌های ما این است که مخاطبان خود را به سوی مطالعه و فرهنگ مطالعه کردن سوق دهیم.

۳. رفع کردن مشکلات، از برنامه‌های ما بوده و هست و در این راه، نسبتاً موفق بوده‌ایم. نشریه رشد نوآموز، در به روز کردن محتوای مجله و ارتقای کیفی آن، سعی وافر دارد. تلاش همکاران در مجله آن است که بتوانیم در کنار کتاب‌های درسی دانش‌آموزان، به رشد و ارتقای آنان کمک کنیم و ارتباط افقی و عمودی مناسبی بین مجلات و مخاطبان خود داشته باشیم.

### رشد نوجوان

سردبیر: جواد محقق

روش نشریه: علمی، فرهنگی، هنری، آموزشی

مخاطب: دانش‌آموزان دوره راهنمایی

دوره انتشار: ماهنامه

جواد محقق، متولد ۱۳۳۳ در شهر همدان است. «علم و ایمان در گفت و گو با دانشمندان»، «قصه مرد پاپتی»، «مثل من به انتظار»، «یک صحن کبوتر» و مجموعه شعر نوجوان «خواب خوب» از آثار اوست. او پیش از این، عضویت در شورای شعر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تدریس در مدارس ایرانی کشورهای پاکستان و ترکیه و سردبیری رشد معلم را بر عهده داشته است.

۱. مجله رشد نوجوان، در کنار دیگر مجلات رشد، از پر تیراژترین مجلات ایران و حتی آسیاست که در حال حاضر، هر ماه، در نزدیک به نیم میلیون نسخه منتشر می‌شود. با این همه، تنها یک اتاق دارد و دو نفر و نصفی نیروی رسمی و پای کار! مهم‌ترین امکان آن همان توزیع گسترده کشوری است که چون از طریق شبکه مدارس انجام می‌شود، مخاطبان زیادی را تغذیه می‌کند؛ آن هم در شهرها و روستاهایی که پای کم‌تر مجله‌ای به آن جاها می‌رسد. در ضمن، چون در مجموعه‌ای با بیست و چند عنوان مجله دیگر منتشر می‌شود، امکانات مشترکی دارد که کار را کم هزینه‌تر می‌کند. توفیق دیگر این مجلات، در اعتماد سازی برای خانواده‌ها و مخاطبان آن است که نکته مهمی است.

مشکلات ما هم تافته جدا بافته‌ای نیست، مثل مشکلات دیگر بخش‌های فرهنگی کشور است که همه می‌دانند؛ یعنی مشکل اختصاصی نداریم.

۲. به همین سو که حالا دارد می‌رود؛ البته با عمق و غنای بیشتر.

۳. ان شاء الله آینده بهتری خواهد داشت.

### سروش کودکان

سردبیر: مصطفی رحماندوست، فریبا کلهر

روش نشریه: فرهنگی

مخاطب: کودکان ۹ تا ۱۲ سال

دوره انتشار: ماهنامه

تعداد صفحات: ۵۴

مصطفی رحماندوست، متولد ۱۳۲۹، در شهر همدان است. او فوق لیسانس ادبیات فارسی دارد و آثار متنوعی از او تاکنون به چاپ رسیده است. آثاری مانند: بابا آمد نان آورد، صد دانه یاقوت، موسیقی باد، موش و گربه، صدای ساز می‌آید، قصه گویی، اهمیت و رسم آن، تعلیمات دینی سال اول دبستان، ماست و خروس و کدخدا، کوچه‌های آبی، گاو حسن چه جور، صدای پنجره و... از مسئولیت‌های او نیز می‌توان به مدیریت انتشارات زلال، مدیریت کل مراکز و مجامع فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در زمان وزارت خاتمی و عضویت در هیات نظارت بر کتاب‌های کودک و نوجوان اشاره کرد.

۱. سروش کودک، با موانع و مشکل جدی روبه‌رو نیست؛ تنها یک مشکل

قدیمی داریم و آن، تیراژ کم مجله است. تیراژ مجله، نسبت به درخواست مخاطبان پایین است.

۲. برنامه‌ای داریم که سروش را به دو قسمت خردسال و کودک تقسیم کنیم که قسمت کودک تغییر نخواهد کرد و فقط یک قسمت خردسال نیز اضافه خواهد شد. ما برای رفع مشکل کم بودن تیراژ، اقدام به گرفتن آگهی کرده‌ایم.

۳. فکر می‌کنم با همین تیراژ و وضعیت، نشریه به کار خود ادامه خواهد داد.

#### سروش نوجوان

سردبیران: قیصر امین‌پور، بیوک ملکی

روش نشریه: فرهنگی، هنری، ادبی

مخاطب: ۱۲ تا ۱۷ ساله‌ها

دوره انتشار: ماهنامه

تعداد صفحات: ۶۴

دکتر قیصر امین‌پور، متولد ۱۳۳۸، در گتوند است. عضویت هیات مدیره دفتر شعر جوان، استاد یاری دانشگاه تهران و عضویت در شورای سیاست‌گذاری روزنامه آفتابگردان، از مسئولیت‌های اوست. از آثار او می‌توان به «مثل چشمه مثل رود»، «به قول پرستو»، «آینه‌های ناگهان»، «تنفس صبح»، «ظهر روز دهم»، «بی بال پریدن» و «در کوچه آفتاب» اشاره کرد.

بیوک ملکی، متولد ۱۳۳۹، در روستای زرجه بستان، از توابع قزوین است. سردبیری برنامه کودک رادیو و همکاری با مجلات پیک، از فعالیت‌های اوست. از آثار او می‌توان به این کتاب‌ها اشاره کرد: «ستاره باران»، «پشت یک لبخند»، «کلاغ پر»، «آب و مهتاب»، «بربال رنگین کمان»، «کوچه دریاچه‌ها»، «از هوای صبح» و «در پیاده رو».

هنگامی که با مجله تماس گرفته شد، جواب شنیدیم که چون سردبیران ما استعفا داده‌اند و کسی نیست که پاسخگو باشد، جوابی برای سؤال‌های شما نداریم.

#### سلام بچه‌ها

سردبیر: عبدالله حسن‌زاده

روش نشریه: فرهنگی

مخاطب: نوجوانان

دوره انتشار: ماهنامه

تعداد صفحات: ۸۴

قیمت: ۱۰۰ تومان

رجوع شود به پوپک.

#### شاپرک

سردبیر: مهندس عباس جاسبی

روش نشریه: اجتماعی، آموزشی و فرهنگی

مخاطب: نوجوان و جوان

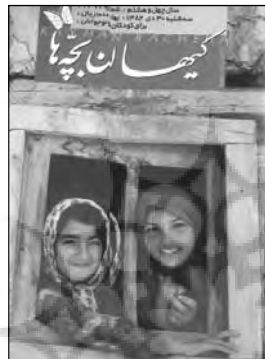
دوره انتشار: روزنامه

تعداد صفحات: ۱۶

مهندس عباس جاسبی، متولد ۱۳۳۱ است و هشت سال سابقه مطبوعاتی دارد.

۱. روزنامه شاپرک که در واقع، اولین روزنامه مخصوص نوجوان و جوان است، چند ماهی است که منتشر می‌شود. بدیهی است به واسطه نوپایی، مشکلاتی نیز دارد.

۲. با رفع مشکلات و تامین امکانات مورد نیاز، به آینده امیدواریم و پیش



بینی می‌کنیم که مخاطبین خاص خود را جذب کند.

۳. با وضع موجود نیز امیدواریم به حد قابل توجهی از اهداف مان دست پیدا کنیم، لیکن در زمان طولانی و با صرف نیروی افزون‌تر.

#### شاهد کودک و نوجوان

سردبیر: علی شریفی

روش نشریه: اجتماعی، عقیدتی، علمی، فرهنگی

مخاطب: کودکان و نوجوانان

دوره انتشار: ماهنامه

پس از چند بار تماس گرفتن و ارسال سؤالات به وسیله دورنگار، موفق به دریافت پاسخی نشدیم. آخرین تماس ما با این نشریه، ۲۴ آذر ماه بود.

#### عروسک سخنگو

سردبیر: زری نعیمی

روش نشریه: هنری، ادبی، نقاشی

مخاطب: سه ساله تا صد ساله‌ها (کودک و نوجوان)

دوره انتشار: ماهنامه

تعداد صفحات: به طور میانگین ۶۰ صفحه

زری نعیمی، متولد ۱۳۳۷ است و کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب دارد. ۱۴ سال است که عروسک سخنگو را چاپ می‌کند و از سال ۷۶ هم با مطبوعات همکاری دارد.

۱. ما امکانات نداریم، یعنی ۱۴ سال است که به صورت خانوادگی، این نشریه را منتشر می‌کنیم. ما حتی مکانی برای تحریریه نداریم. تمام هزینه را هم هیأت تحریریه تامین می‌کند. مهم‌ترین مسئله ما این است که الان با داشتن مجوز، باز هم نمی‌توانیم نشریه را چاپ کنیم؛ چون هیچ نوع سرمایه‌ای نداریم. ما آدم‌هایی ساده و معمولی هستیم؛ یکی پرستار، دیگری طراح و... ما پول مان را روی هم می‌گذاریم و نشریه را به صورت زیراکسی منتشر می‌کنیم.

۲. نمی‌دانم. ما فقط آرزو داریم که این نشریه بتواند چاپ شود؛ آن هم رنگی. حتی توزیع ما به صورت خانه به خانه است.

۳. من سعی می‌کنم به این مسئله اصلاً فکر نکنم. تنها هدف من در این ۱۴ سال، این بوده که این نشریه استمرار خود را حفظ کند و نشریه‌ای متفاوت از سایر نشریات باشد؛ به خصوص در ادبیات کودک که به جای آموزش و سرگرمی، اصلش را بر هنر بگذارد؛ یعنی باید در ادبیات کودک هم بر هنر و ادبیات ناب تکیه کرد.

#### کیهان بچه‌ها

سردبیر: امیرحسین فردی

روش نشریه: فرهنگی، اجتماعی

مخاطب: کودکان و نوجوانان

دوره انتشار: هفتگی

امیر حسین فردی، متولد ۱۳۲۸، در روستای قره تپه اردبیل است. مدیر مسئولی کیهان بچه‌ها، راه‌اندازی و اداره کیهان علمی، عضویت در هیأت نظارت بر کتاب‌های کودکان و نوجوانان و تاسیس سوره، بچه‌های مسجد و جنگ سوره ادبیات نوجوانان، از فعالیت‌های اوست. از آثار فردی، می‌توان اشاره کرد به: یک دنیا پروانه، یک مشت نقل رنگی، قصه‌های گلبهار (چهار جلد)، میرزا کوچک خان (نمایش نامه)، سیاه چمن، آشیانه در مه، افسانه‌ها، اصلا، روزی که تو آمدی و امام خمینی (ره).

پس از پنج بار تماس و ارسال سؤالات به وسیله دورنگار، موفق به گرفتن پاسخی نشدیم. آخرین تماس ما، ۲۴ آذر ماه بود.

#### گنبد کبود

مدیر داخلی: احسان رافتی

روش نشریه: هنری، خبری، اجتماعی، ورزشی

مخاطب: نوجوانان

دوره انتشار: روزنامه

احسان رافتی، از سال ۷۴ کار خود را با خانه روزنامه نگاران جوان آغاز کرده و با دوره قبلی گنبد کبود ادامه داده است. او همچنین، با مجلات آینده سازان و بچه‌ها... گل آقا نیز همکاری داشته است.

۱. مشکل خاصی وجود ندارد.

۳. اگر اجازه دهند انتشار گنبد کبود ادامه پیدا کند، ما دوست داریم به مرحله‌ای برسیم که روزنامه، جای خود را در بین نوجوانان پیدا کند و هر نوجوان، هر صبح به کیوسک روزنامه فروشی برود و گنبد کبود را به عنوان

روزنامه خود بخرد.

#### موعود جوان

سردبیر: اسماعیل شفیعی سروستانی

مشاور نشریه: سیدعلی کاشفی خوانساری

روش نشریه: نشریه‌ای درباره امام عصر (عج) و برای امام عصر (عج)

مخاطب: جوانان

دوره انتشار: دو ماهنامه

سیدعلی کاشفی خوانساری، مهندس عمران و در سال ۱۳۵۰، در تهران متولد شده است. سردبیری سالنامه مطبوعات کودک و نوجوان و سردبیری مجله الکترونیکی جدید، از مسئولیت‌های اوست. از آثار کاشفی، می‌توان اشاره کرد به: ۱۸ جلد از مجموعه چهره‌های ادبیات کودک، کتاب «چند مقاله درباره مطبوعات کودک و نوجوان»، دعواهای ادبی و نشریات کودک و نوجوان ایران. علی کاشفی خوانساری، سردبیر و دبیر تحریریه پیشین موعود جوان بوده است. او هم اکنون مشاور مجله «موعود جوان» است. پاسخ او به سؤال نخست کتاب ماه، پیش روی شماست.

۱. مهم‌ترین مشکل ما، مشکل مالی است. مؤسسه ما، یک مؤسسه خصوصی است که به جایی وابستگی ندارد و تمام کارکنان، به صورت افتخاری و رایگان، در آن فعالیت می‌کنند و فعالیت آن‌ها تنها به خاطر علاقه‌ای است که به امام عصر (عج) دارند. به دلیل همین مشکلات اقتصادی، مجله نمی‌تواند از آدم‌های حرفه‌ای و شناخته شده استفاده کند؛ با کاغذ مرغوب چاپ شود و به موقع و منظم به دست مخاطب برسد. در این میان، نهادها و سازمان‌های دولتی، به جای این که با اصل موضوع توجه کنند، دوست دارند نام خودشان مطرح شود و متأسفانه، به موضوع امام زمان (عج)، نگاهی تبلیغی دارند و به کارهای سطحی و تبلیغی، در حد مناسبت‌ها و آمار راضی اند. از این رو تا به حال ما نتوانسته‌ایم خودمان را راضی کنیم که زیر بار نگاه تبلیغی سازمان یا نهادی برویم. و اما مهم‌ترین امکان ما علاقه دست اندر کاران «موعود جوان» و علاقه مردم به امام زمان (عج) است.

دوستداران آن حضرت نیز با وجود تمام مشکلات، انتشار مجله را پیگیری می‌کنند و من فکر می‌کنم با عنایات امام زمان (عج) بوده است که این نشریه، تا کنون به حیات خودش ادامه داده است.

#### نهال انقلاب

سردبیر: علی اصغر نصرتی

روش نشریه: اجتماعی، فرهنگی، عقیدتی، هنری، ورزشی

مخاطب: سال‌های چهارم و پنجم دبستان و اول تا سوم راهنمایی

دوره انتشار: ۱۵ روز یک بار

علی اصغر نصرتی، متولد ۱۳۳۶، در شهر رشت است و لیسانس ادبیات فارسی دارد. از آثار او می‌توان به این کتاب‌ها اشاره کرد: «مهمان یک پروانه»، «مثل یک قو»، «یک نگاه یک لبخند»، «نخل خانه ما»، و «در جست و جوی گل».

۱. حروف چینی را خودمان انجام می‌دهیم و از نویسندگان بیرون استفاده می‌کنیم. چاپخانه‌ای که نهال انقلاب را چاپ می‌کند، متعلق به سپاه پاسداران است اما ما هزینه‌ای هم می‌پردازیم. با این همه، به طور کلی مشکل خاصی نداریم.

۳. اگر گذشته را مرور کنیم، مرحله‌ای را می‌بینیم که نشریه در آن مرحله، کار خود را بسیار خوب انجام می‌داد، ولی زمانی دچار افول شد تا الان که باز هم سیر صعودی دارد، اگر نشریه همین سیر صعودی را ادامه دهد آینده بسیار خوبی خواهد داشت.



## قسمت دوم: گفت و گو با داوران ششمین جشنواره

داوری در هر جشنواره‌ای از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است. ششمین جشنواره مطبوعات کودک و نوجوان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نیز از این قاعده مستثنا نیست. در این جشنواره، مطبوعات کودک و نوجوان، در رشته بررسی شدند و داوران هر رشته، دیدگاه‌ها و آرای خود را اعلام کردند. این ۱۳ رشته عبارت بود از: «گرافیک»، «طراحی روی جلد و صفحه آرایی»، «گفت و گو و گزارش»، «مقالات علمی»، «مقالات آموزشی و بازنویسی مطالب دینی»، «بازنویسی متون کهن»، «سرمقاله و یادداشت»، «مقالات ادبی و هنری»، «طنز»، «داستان مخاطبان»، «شعر مخاطبین»، «داستان تالیفی»، «شعر» و «داستان ترجمه».

برای روشن تر شدن وضعیت داوری، به سراغ داورها رفتیم و سوالاتی را با آن‌ها در میان گذاشتیم. سعی کردیم در هر بخش، دست کم با یک داور گفت‌وگو کنیم. از تمام داورها چهار سؤال مشخص پرسیدیم. سؤال‌های ما این‌ها بود:

۱. داوری امسال را با سال‌های قبل، چگونه مقایسه می‌کنید؟ فکر می‌کنید سالی بوده مثل سال‌های گذشته یا بهتر یا بدتر؟
  ۲. آیا آیین نامه داوری داشتید؟ اگر نه، ملاک‌های تان را چگونه تعیین می‌کردید؟
  ۳. از مشکلات داوری، خصوصاً در این جشنواره برای مان بگویید.
  ۴. یکی از آثار برنده را نام ببرید و ویژگی‌های آن را بیان کنید.
- در بخش گرافیک، طراحی روی جلد و صفحه آرایی، داوران عبارت بودند از محمد علی بنی اسدی، ابوالفضل همتی آهویی و کاظم طلایی. از میان این داوران، موفق شدیم با آقای بنی اسدی گفت‌وگو کنیم. پاسخ‌های آقای بنی اسدی به سوالات ما، چنین بود:



۱. کسانی که برای داوری انتخاب می‌شوند، به تنهایی توضیحی ندارند؛ جز این که در آن زمینه شناخت دارند. من هم توضیحی ندارم درباره این سؤال که: داوری چگونه بوده است؟ جنس این سؤال را خیلی نمی‌فهمم، یعنی اگر من فردی بیرونی بودم و مسائل را با هم مقایسه می‌کردم، می‌توانستم بگویم داوری به این معنا که مثلاً کدام پارامتر بیشتر لحاظ شده، چه بوده است، ولی وقتی می‌گویید داوری چه طور بوده، قضیه فرق می‌کند. به نظر من، هر تعداد آدمی که دور هم جمع می‌شوند و تخصص دارند، یک شمای کلی هم از آن رشته دارند، ولی به هر حال، ممکن است در جاهایی هم در لحظه‌هایی خاص، بر سر یک چیز خاص پافشاری بکنند که معمولاً، بنا به تجربه من، بخش عظیمی از مسئله را کارهایی که می‌رسند، تعیین می‌کنند. کسانی که در این

حوزه مشغول کارند و با شرایط رساندن کار، مدیریت هنری، کیفیت وسایل و کیفیت چاپ و جنس کاغذ و رنگ و همه این‌ها آشنا هستند؛ چرا که خودشان هم دارند کار می‌کنند. ممکن است تصویرگر، به دلیل مطلوب نبودن رنگ و کاغذ، نتواند از ظرایف چاپ استفاده کند و مجبور شود به رنگ‌های تخت رو بیاورد. این‌ها را داورها می‌توانند توضیح بدهند، اما درباره خود داوری و مقیاس آن، آن هم با سال‌های قبل، به راستی چه چیزی می‌شود گفت؟ علی‌الخصوص من که دفعه اولم بوده که در جشنواره کانون داوری کردم.

۲. معمولاً تمامی بچه‌ها اگر همدیگر را از قبل دیده باشند، می‌دانند که چه مسائلی باید رعایت شود و چه اشتراکاتی وجود دارد. ما همه جا، اول کارها را یک بار از نظر می‌گذرانیم تا ببینیم با چه مجموعه‌ای روبه‌رو هستیم. بعد از آن، ملاک‌هایی را بر می‌شماریم و با خودمان می‌گوییم که چه کار باید بکنیم و داریم چه چیزی را قضاوت می‌کنیم؟ دشواری‌هایی هم هست. یک مجله با کیفیت خوب چاپ می‌شود، یک مجله امکانات بسیار محدودی دارد. مجله‌ای ماهنامه، هفته نامه و گاهنامه است، مجله‌ای در یک دبیرستان و با امکانات محدود آن جا منتشر شده است. یا ممکن است یک مجله لایبی روزنامه‌ای باشد. بنابراین، ارزیابی این‌ها در کنار هم بسیار مشکل است. بعضی از آن‌ها دولتی اند و دارند از یک جا تغذیه می‌شوند و بعضی نه. شما مجبورید همه این موارد را با یک معیار کلی محک بزنید. حالا به این قضایا اضافه کنید قطع نشریه را که ممکن است تا بخورد در دل یک روزنامه یا تا نخورد. یا تعدادی از یک نشریه در قطع کوچک چاپ شده باشد و تعدادی هم در قطع بزرگ تر. همه این‌ها رسیدن به ملاک‌ها را مشکل می‌کند. اما در مجموع، ما در نظر داشته‌ایم که مثلاً روی جلد باید خلاقانه باشد، نگاه را بگیرد و چشم نواز باشد.

اگر داورها شانس بیاورند، ناگهان یک کار خیلی خلاقانه پیدا می‌شود که تقریباً دغدغه داورها را از بین می‌برد و این امر، نه در جشنواره مطبوعات، بلکه در کل جشنواره‌های دنیا ممکن است اتفاق بیفتد. من جشنواره‌های زیادی را به خاطر دارم که همه کارها تقریباً یکدست و عادی بوده، اما میان آن‌ها یک کار چنان خودش را نشان داده که خیال داورها راحت شده است.

۳. مشکل دو گونه است؛ یا ممکن است بین اعضای داوری اتفاق بیفتد و آن هم این که به جمع بندی ذهنی نرسند که در این جشنواره، این مشکل وجود نداشت و هر سه اتفاق نظر داشتیم، اما مشکل اصلی، بر سر گونه گونی کارهاست که شما باید کارهایی با جنس‌ها و شرایط مختلف را با هم بسنجید.

۴. من از بقیه دوستان عذر می‌خواهم، اما کاری که از آن مجموعه به یاد من مانده، کاری است از آقای صلواتیان که در بین کارهای خود او هم کار ویژه‌ای است. در این کار، به آقای صلواتیان این فرصت داده شده بود که هم روی جلد و هم پشت جلد را کار کند. محدودیت‌هایی هم وجود داشت که آقای صلواتیان باید رعایت می‌کرد؛ محدودیت‌هایی مثل یک مسابقه یا چیزی شبیه این. البته، امیدوارم خواننده‌ها حواس‌شان باشد که ساعت الان یک ربع به ۱۱ شب است و یکی دو ماه هم از ماجرا گذشته و من کار را جلوی چشم ندارم، اما این کار در ذهنم مانده است و حس می‌کنم از طراح آن باید دوباره تشکر کنم. در این کار، بازی زیبایی بین خاکستری‌ها دیده می‌شد که هنوز ریتم چیدن آدم‌ها در صفحه در ذهن من مانده است.

در بخش گفت و گو و گزارش، عرفان نظرآهاری، حسن احمدی و محسن هجری داوری را بر عهده داشتند. در این بخش، آقای هجری در پاسخ به سوالات کتاب ماه کودک و نوجوان، چنین نوشتند:

۱. با توجه به این که معیار شخصی برای مقایسه دوره‌های مختلف در دست نیست، نمی‌توان به تحلیلی مشخصی از این موضوع رسید؛ به ویژه آن که اطلاعات جامعی از تمامی گروه‌های داوری در اختیار نداریم. اما اگر بخواهم با توجه به حضور در داوری دو دوره جشنواره مطبوعات و شرکت در گروه داوری بخش گزارش و گفت و گو، به این پرسش پاسخ دهم، به اجمال می‌توانم بگویم که در این دوره اخیر، دقت در مطالعه و ارزیابی آثار قابل توجه بود و با



توجه به این که دوستان گروه داور، مرتبط با ادبیات کودک و نوجوان بودند، این دغدغه و حساسیت را داشتند که مبادا در بررسی آثار، حقی را ضایع کنند. یک نمونه از این حساسیت، موقعی بود که تمامی آثار جمع آوری شده مورد قضاوت قرار گرفته و داوران بخش گزارش و گفت و گو دیدگاه‌های خود را ارائه کرده بودند در این زمان بود که یکی از گزارشگران، هیات داور را مطلع ساخت که آثار او به دست ستاد جشنواره مطبوعات نرسیده است. در این جا دوستان داور، به جای آن که به بهانه سر رسیدن موعد جمع آوری آثار، دوست معترض را از سر باز کنند، خود را موظف دیدند که آثار رسیده را مطالعه کنند و دیدگاه خود را ارائه دهند. در جلسه نهایی نیز وقت قابل توجهی برای ارزیابی آثار رسیده، به دور نهایی گذاشته شد و انصافاً تا آن جا که در توان بود، موارد متعددی از آثار به بحث گذاشته شد و با آن که آیین نامه‌ای برای داور را اختیار ما نبود، هیات داور تلاش می‌کرد که بر اساس ملاک‌های پذیرفته شده علمی در بخش گزارش و گفت و گو آثار مختلف را ارزیابی کند و من به ضرس قاطع می‌گویم که در این بحث و گفت و گوها نشانی از ملاحظه کاری‌های مرسوم، اعمال نفوذهای باندی یا حب و بغض‌های شخصی ندیدم. البته، این نکته را نمی‌توان منکر بود که به هر حال، نوع نگاه هر داور، در قضاوت او ایفای نقش می‌کند. به طور مثال، برای خود من مهم بود که اسلوب گزارش و گفت و گو، در آثار مختلف رعایت شده باشد و اگر ابتکارهای شخصی گزارشگر یا مصاحبه گر موجب شده بود که این اسلوب مخدوش شود، با آن که برخی از این ابتکارها در جای خود بسیار قابل توجه بودند، اما تلاش می‌کردم که در چنین مواقعی، اسیر معیارهای ادبی نشوم و کماکان از منظری مطبوعاتی به ارزیابی آثار بپردازم. به ویژه آن که مطبوعات کودک و نوجوان، در مظان این اتهام هستند که به دلیل اندیشه گردانندگان آن‌ها که عموماً از نویسندگان ادبیات کودک هستند. صبغه‌ای ادبی دارند و کم‌تر از معیارهای رسانه‌ای تبعیت می‌کنند. با وجود این، نمی‌توان منکر آن بود که به هر حال، امکان خطا در داور و وجود دارد. خطا از جنبه کم دقتی در بررسی آثار و خطا از جنبه به‌کارگیری معیارهای شخصی؛ تا آنجا که من شاهد بودم، تلاش دوستان داور بر این بود که آثار را به دقت مورد ارزیابی قرار دهند و در عین حال، معیارهای علمی و حرفه‌ای را به کار گیرند. اما چه بسا با تمامی این دقت‌ها باز هم حق برخی آثار ادا نشده باشد. هر چند به نظر من، داور نهایی آثار مطبوعاتی، مخاطبان هستند و آن‌ها هستند که سرانجام، با اقبال یا عدم اقبال خود به یک مطلب، مشخص می‌کنند که یک گزارش، گفت‌وگو یا مقاله تا چه اندازه دارای ارزش مطبوعاتی است و اگر اثری در جشنواره به عنوان اثر برگزیده معرفی نشده است، به هیچ وجه از ارزش حقیقی آن کم نخواهد شد.

۲. متأسفانه این نقطه ضعف بزرگ در داور مطبوعات کودک و نوجوان به چشم می‌خورد که ما برای داور، از یک آیین نامه مدون پیروی نمی‌کنیم، آیین نامه‌ای که معیارها را تعریف کرده و حداقل‌هایی را که یک اثر مطبوعاتی باید واجد آن باشد، مشخص کند به همین دلیل، این امکان وجود دارد که معیارهای شخصی یک داور، در نحوه قضاوت او اثر تعیین کننده‌ای داشته باشد. بدون وجود این آیین نامه، نقد داور نیز میسر نیست؛ زیرا نمی‌توان مشخص کرد که داور در کجا معیارها را رعایت کرده و در کجا از آن تخلف کرده است. به همین دلیل، پیشنهاد مشخص من این است که در فرصت مناسبی که تا جشنواره بعدی باقی است، با بهره‌گیری از دیدگاه‌های عناصر متخصص و مجرب در کار رسانه‌ای، این آیین نامه‌ها را تدوین کنند. این امر موجب می‌شود که اعتماد به سازمان داور نیز افزایش یابد و افراد انتخاب‌های صورت گرفته را حمل بر غرض ورزی یا اعمال سلیقه شخصی نکنند.

۳. بزرگ‌ترین مشکل در این جشنواره، تعداد زیاد آثار در بخش گزارش و گفت و گو بود. ما در فرصتی نزدیک به سه ماه، هشت صد اثر را مطالعه و بررسی کردیم. با این حال، احتمال می‌رود که علی‌رغم تلاش صادقانه ستاد جشنواره مطبوعات، تمامی آثار جمع آوری نشده باشد. کما این که بعد از به

پایان رسیدن کار داور، یکی از دوستان گزارشگر با ما تماس گرفت که از رسیدن آثارش به دست داوران مطمئن شود و با این تماس، متوجه شدیم که آثار ایشان در مجموعه آثار جمع آوری شده نیست. خوشبختانه، فرصت برای بررسی این گونه آثار جا مانده هم داشتیم و حداقل از این نظر نگذاشتیم که اجحافی صورت گیرد. با این حال، من تصور می‌کنم که هر نشریه‌ای سرانجام باید آثار ارسالی خود را با ستاد جشنواره مطبوعات چک کنند تا اطمینان یابد که تمامی آثار مورد داور و ارزیابی قرار می‌گیرند.

۴. اجازه بدهید از اثر خاصی نام نبرم، اما در چند اثر، ویژگی‌های قابل توجهی دیدم. نخست آن که به خوبی اسلوب علمی و فنی گزارش نویسی و گفت و گو را رعایت کرده بودند، در انتخاب موضوع کلیشه‌ای عمل نکرده بودند، هم چنین نیاز مخاطب را در نظر گرفته بودند. علاوه بر تمامی این ویژگی‌ها، از ورای عبارات و اصطلاحات، حس مورد نظر خود را به مخاطب منتقل کرده بودند. شاید جا داشته باشد در این جا به این نکته اشاره کنم، در شرایطی که در بسیاری از زمینه‌ها، هزینه‌های بالایی بر بودجه عمومی تحمیل می‌شود، جا دارد که در قدرانی از آثار برگزیده، دست داوران باز گذاشته شود تا هم تعداد بیشتری برگزیده شوند و هم هدایایی در خور برگزیدگان به آن‌ها اهدا شود.

من تصور نمی‌کنم که ارزش کارهای ادبی و مطبوعاتی، کمتر از مدل آوری ورزشکاران و هنرنامه‌ی بازیگران سینما باشد. با این حال، برای خود من مشخص نیست که چرا در این زمینه‌ها همه به فکر صرفه جویی می‌افتند! و این حدیث، مختص یک جشنواره نیست و ما در جشنواره‌های مختلفی شاهد چنین وضعیتی بوده‌ایم.

در بخش مقالات علمی، مجید عمیق، مجید جلالی نیا و محمد سالک داور بودند. مجید جلالی نیا، در پاسخ چهار سؤال ما گفت:

۱. خاطر من هست که در دوره قبل، ما از بین ۳۰۰ اثر، کار برتر را انتخاب کردیم، اما امسال از بین ۹۰ اثر این کار را کردیم. این موضوع نشان دهنده آن بود که در انتخاب آثار، وسواس و دقت بیشتری صورت گرفته بود.

۲. ما آیین نامه‌ای نداشتیم، ولی من و دیگر دوستان داور (آقای عمیق و آقای سالک)، معیارهای مان را بررسی کردیم. همه معیارهای مان را گفتیم و این معیارها را مکتوب کردیم و به کار گرفتیم. این معیارها را در بیانیه جشنواره نیز آورده‌ایم؛ معیارهایی مثل فعالیت حرفه‌ای و مستمر، تناسب موضوع و مطلب با مخاطب، پرداخت، تیتراژ گذاری و فصل بندی خوب و... که از میان این معیارها، استفاده از نثر روان و متناسب با مخاطب، پرداختن به مناسب‌ها، حوادث، ابداعات، نوآوری‌ها و اخبار علمی روز و استفاده از منابع به روز و کارآمد مثل اینترنت و نشریات و توجه هوشمندانه به نیاز مخاطب‌ها، برای من اهمیت بیشتری داشته است.

۳. من فکر می‌کنم به جای مشکلات، باید از حسن انجام وظیفه دوستان کانونی بگویم.

آن‌ها مقاله‌ها را خیلی خوب به دست ما رساندند و ما ارتباط خیلی خوبی با بچه‌های اجرایی، مثل آقای پیرهادی و آقای حمیدی آزاد داشتیم. من واقعاً راضی بودم.

البته، باز هم حس می‌شد که جای تعدادی از نشریات خالی است که شاید این نشریات، زیر مجموعه یا ضمیمه نشریات دیگر بودند. خصوصاً نشریاتی که به صورت ضمیمه بعضی نشریات جناحی و سیاسی چاپ می‌شوند. جای‌شان در جشنواره خالی بود. ما اصلاً به نشریه مادر کاری نداشتیم و چون نشریه ضمیمه برای نوجوان‌هاست و هیچ هدف سیاسی را دنبال نمی‌کند، به این ترتیب، کسانی که در این نشریه‌ها قلم زده بودند، متأسفانه مورد بی‌مهری قرار گرفته بودند و شاید حق‌شان ضایع شده باشد.

۴. من فکر می‌کنم مقاله «چگونه باید با کمرویی مقابله کرد؟»، از آقای نصر دادار که لوح تقدیر گرفت، بسیار مقاله خوبی بود. ما مقالات خوب در

حیطه روانشناسی کم داریم.

این مقاله، مقاله‌ای بود در حیطه روانشناسی و با نثری بسیار خوب. فضای کارشان بسیار جذاب بود و اصطلاح خاص روانشناسی، در آن دیده نمی‌شد. آقای جلالی‌نیا، جدا از سؤال‌های کتاب ماه، توضیحی را نیز ضروری دانست و گفت:

این قدر که سردبیرها در وادی شعر و ادبیات، وسواس نشان می‌دهند که شعر خوبی چاپ بشود و داستان خوبی در مجله بیاید، کم‌تر به صفحه‌های علمی توجه دارند. ما مقالاتی خواندیم که ای کاش چاپ نمی‌شدند و من فکر می‌کنم به وادی علم، کم توجهی می‌شود. مطالب با وسواس انتخاب نمی‌شوند و بعضی وقت‌ها اشتباهات فاحشی در آن‌ها دیده می‌شود. کاش می‌شد سردبیران، یک ویراستار علمی هم در مجله‌های‌شان می‌داشتند تا این متن‌ها، خصوصاً متن‌های ترجمه را بررسی کند. متأسفانه، نشریات ما بخش‌های علمی‌شان کاملاً تفننی است و اصلاً جدی گرفته نمی‌شود. در حالی که این نشریات کاملاً می‌توانند خلاء سیستم آموزش و پرورش فرسوده ما را پر کنند. در بخش مقالات آموزشی و بازنویسی مطالب دینی، محمود حکیمی، محمد ناصری و علی کاشفی خوانساری عهده‌دار داور داور بودند. علی کاشفی خوانساری، در پاسخ ما گفت:



۱. من در سال‌های گذشته، هیچ وقت داور بخش مقالات آموزشی نبوده‌ام. با وجود این، تفاوت آشکاری هم به نظرم نمی‌رسید؛ جز این که تعداد کارهای بررسی شده، امسال بیشتر بود و کوشش شده بود مطالب تمام مطبوعات استخراج و داور شود.

۲. آیین نامه‌ای وجود نداشت، اما فرم‌های بررسی‌ای وجود داشت که باید پر می‌کردیم. خود ما نیز این شیوه را انتخاب کرده بودیم که به هر اثر می‌توانستیم بین صفر تا ۳ نمره بدهیم. در آخر، ده تا پانزده مطلب، بالا آمد. در جلسه نهایی، آثار بالا آمده را تک تک بررسی و درباره همه آن‌ها بحث کردیم.

۳. مشکل خاصی وجود نداشت. تنها گاهی مطالب نوجوانان، از مطالب بزرگ‌ترها تفکیک نشده بود. برخی از مطالب را هم ما می‌فهمیدیم که تولیدی مجله نیست و از کتاب یا مجله دیگری نقل شده بود، اما متأسفانه، منبعی در مطلب ذکر نشده بود. این امر قضاوت را دشوار می‌کرد. ما نه می‌توانستیم تمام این مطالب را شناسایی کنیم و کنار بگذاریم و نه به نظرمان منطقی بود که یک مطلب گزینشی از یک کتاب را به عنوان یک مطلب برتر مطبوعاتی معرفی کنیم.

۴. در بخش بازنویسی‌های دینی، دو اثر «خلق محمدی» از میترا صادقی و «نخل بهشتی» از مهدی کاموس، دارای ویژگی‌های خاصی بود؛ ویژگی‌هایی مثل توجه کافی و موفق به تکنیک داستان، انتخاب موضوعات نو و غیر

تکراری و توجه به موضوعات، متناسب با نیازهای نوجوانان و جامعه. محمد میرکیانی، حسین فتاحی و فرهاد حسن زاده، داوران بخش بازنویسی متون کهن بودند. محمد میرکیانی در پاسخ سؤال اول گفت:



۱. مشکلی وجود نداشت؛ چون کارها بسیار کم بود.

عمدتاً آثاری که در مطبوعات کودک و نوجوان، برای داور این بخش به دست ما می‌رسید، حالت تامین مطلب را برای مجله داشت، نه بازنویسی ناب و محض. بعضی از این آثار، ترجمه افسانه ملل کتاب‌ها بود که در نشریه‌ها، با بازنویسی مختصر چاپ شده بود. خیلی از آثار هم منبعی نداشتند که این آثار مهم ارزش داور داور نداشت. بنابراین، آثار خیلی محدود و کمی به بخش نهایی داور داور راه پیدا کرد. حوزه بازنویسی در مطبوعات کودک و نوجوان، حوزه نوزایی است و با حوزه‌های دیگر کاملاً فرق می‌کند. این حوزه‌ها یا اصالتاً مطبوعاتی‌اند. مثل خبر و مصاحبه و گزارش یا حوزه‌هایی مثل داستان و شعر که دیگر پذیرفته شده‌اند.

۲. آیین نامه‌ای نداشتیم، اما ملاک‌های مان مشخص بود.

۳. معمولاً در داور داور، وقتی آثار برجسته زیادی به گروه نهایی راه پیدا می‌کند و انتخاب این‌ها با مشکل مواجه می‌شود، آن وقت داور داور مشکل می‌شود و خود به خود اختلاف نظر پیش می‌آید. در بخش بازنویسی، آن قدر اثر وجود نداشت تا مشکلی پیش بیاید.

۴. ما به آن معنا آثار برنده نداشتیم؛ فقط یک کار تقدیری از خانم ژاله راستانی را معرفی کردیم.

دکتر حسین قندی، حسین بکایی و نورا حق‌پرست، داوران بخش سرمقاله و یادداشت بودند که بکایی، به سؤال‌های کتاب ماه، چنین پاسخ داد:

۱. سالی بود مثل سالهای گذشته، شاید هم کمی بدتر. یاد می‌آید در جشنواره چند سال قبل، کانون پرورش از روش انجمن الگو برداری کرد و از سردبیران نشریات خواست که داورانی برای رشته‌های مختلف جشنواره انتخاب کنند. هرچند در همان سال، برخی از سردبیران محترم، آن طور که باید و شاید به این دعوت لبیک نگفتند و طبق معمول، با سکوت و پشت گوش انداختن، قضیه را از سر باز کردند. هر چه بود، دست کم در حد یک پز استفاده‌هایی داشت. خوب بود امسال هم چنین روش‌های تکرار می‌شد.

۲. آیین نامه را در این مورد می‌توان اصول حرفه‌ای کار مطبوعات فرض کرد. بالاخره، به لحاظ فنی مشخص است که سر مقاله چه جور نوشته‌ای است و چه باید باشد. ملاک‌های اختصاصی هم نداشتیم و بیشتر اجماع داوران مؤثر بود.

۳. دبیرخانه کارشان را منظم کردند و همکاران هم شکر خدا، کارآمد و با سابقه بودند. مشکلی نبود الحمدالله.

۴. پرسش سختی است. این مصداق اگر خوب باشد، می‌شود همان انتخاب ما که اعلام شد. و اگر ضعیف باشد، می‌شود دردسر برای بنده و باید عرض کنم که گردن ما از مو هم باریک‌تر است!

بخش بعدی بخش، مقالات ادبی و هنری بود که چیستا یثربی، معصومه انصاریان و جواد محقق، داور این را بر عهده داشتند. با جواد محقق گفت و گویی انجام دادیم و او در پاسخ، ما گفت:

۱. دو سال قبل، من داور شعر بودم و امسال داور مقالات ادبی و هنری، اما



۱. من سال‌های قبل در این بخش داور نبوده‌ام. بنابراین، نمی‌توانم تفاوت‌ها را بشمارم. با این همه، فکر می‌کنم ما جشنواره خوبی را پشت سر گذاشتیم.

۲. آیین نامه خاصی نبود، تعدادی فرم به ما دادند که ما باید آن‌ها را پر می‌کردیم. مثلاً اسم داستان و نویسنده و سن او را نوشته بودند و ما در مقابل آن باید بد، متوسط، خوب، و عالی می‌نوشتیم. جدا از این، خود من به عنوان داور، معیارهایی برای خودم داشتم که اصلی‌ترین آن‌ها تکنیک خوب نسبت به سن نویسنده و استفاده از سوژه‌های بکر و تازه بود.

۳. در بخشی که من داور بودم، مشکل خاصی وجود نداشت.

۴. دو تا داستان بود به نام‌های «دزد» و «خواهر». نویسنده در داستان خواهر، به نیازهای نوجوانان توجه کرده بود و فضایی عاطفی داشت. داستان دزد، دارای تکنیک بالایی بود. فضا سازی و شخصیت‌پردازی خوبی داشت و معلوم بود که نوجوانی که این داستان را نوشته، می‌تواند در آینده نویسنده خوبی بشود.

بابک نیک طلب و اسدالله شعبانی، داوران بخش شعر مخاطبین بودند. بابک نیک طلب، در پاسخ به چهار سؤال مطرح شده، گفت:



۱. من در جشنواره مطبوعات تا به حال داور نباشتم. فکر می‌کنم امتیاز جشنواره مطبوعات، معرفی و شناسایی افراد تازه در عرصه مطبوعات کودک و نوجوان است که بسیار فرصت مغتنمی است. در واقع، در این جشنواره به افراد تازه‌ای هویت تازه‌ای داده می‌شود. در حالی که در جشنواره کتاب، این کتاب است که به آن هویت داده می‌شود. در این جشنواره، علاوه بر کتاب، خود

فکر می‌کنم این جشنواره، خیلی با جشنواره‌های پیشین تفاوت نداشت؛ کاری بود در همان حد و اندازه‌های قبل.

۲. توافقی‌هایی بین دوستان داور، درباره نحوه داوری وجود داشت و ما آن‌ها را در جلسه‌ای مرور کردیم، اما ماده مکتوبی نداشتیم. شاید اگر ملاک‌هایی برای داوری در تمام رشته‌ها تعیین شود، کمک بیشتری به یکسان سازی داوری‌ها بکند.

۳. در بخشی که من داوری‌اش را به عهده داشتیم، یکی از مشکلات، این بود که هیچ تعریف مشخصی از مقاله، در جمع آوری و پذیرش آثار رسیده وجود نداشت. در واقع، هر چیزی را که در بخش‌های دیگر و قالب‌های دیگر نگنجدید بود، به نوعی جزو مقاله گذاشته بودند. مثلاً اگر متنی شعر یا داستان یا ترجمه نبود و هیچ قالب مشخصی نداشت، به بخش مقاله آمده بود. در نتیجه، این مقاله‌ها شبیه یادداشت‌های ادبی، یادداشت‌های هنری، یادداشت‌های آزاد و خاطره نویسی بود. و حتی یکی دو نمونه، گزارش‌هایی وارد بخش مقاله شده بود! شاید لازم باشد دوستان کانونی، در سال‌های بعد، تعریفی از مقاله ارائه کنند. البته، بهتر است تعریفی از مقاله در مطبوعات کودک و نوجوان ارائه شود. چرا که شاید مقاله بزرگسالانه، با آن نیازمندی‌اش به پاورقی و منابع و مآخذ ذکر شده و مشخصات دقیق کتاب‌شناسی و از این قبیل، به ندرت در بین مقالات مجلات کودک و نوجوان پیدا شود؛ کما این که امسال هم خیلی کم بود. شاید هم لازم باشد بخش‌هایی با عنوان یادداشت آزاد، نثر ادبی یا یادداشت‌های دیگر داشته باشیم تا تعدادی از آثار، به آن جاها فرستاده شود. در بین آن چه برای داوری به دست ما رسید، به ندرت به متنی برمی‌خوریم که با توجه به تعریف بزرگسالانه، مقاله، بشود به آن مقاله گفت. ما مواردی هم داشتیم که گفت و گو و گزارش به بخش ما آمده بود که طبیعتاً حقوقی از صاحبان این آثار ضایع شده است؛ چرا که ما آن‌ها را کنار گذاشتیم و احتمالاً به دلیل کمبود وقت، به بخش‌های اصلی شان هم ارجاع داده نشده است. البته، ممکن است هنگام تفکیک آثار، چنین اشتباهی شده باشد. من فکر می‌کنم که این موضوع قابل تامل است که آیا ما باید مقاله را در مطبوعات کودک و نوجوان، با همان مختصات مطبوعات بزرگسال ببینیم یا نه؟ و این که قالب‌های معمول جوابگوی نوشته‌های فعلی در مطبوعات نیست و باید در آن‌ها تجدید نظر شود. شاید لازم است که حداقل یکی دو قالب دیگر را نیز شناسایی بکنیم.

۴. مقاله «خنده چراغ ماست» نوشته آقای نقی سلیمانی در نشریه سروش نوجوان، به این دلیل برنده شد که مشخصات یک مقاله را کاملاً دارا بود: منابع و مآخذ ذکر شده و کدهایی از منابعش داده بود و مجموعاً یک مقاله خوب بود.

هشتمین بخش این جشنواره، بخش طنز بود. داوران این بخش عبارت بودند از: منوچهر احترامی، هوشنگ معمارزاده و جعفر ابراهیمی. از آن جا که آقای ابراهیمی، در بخش شعر به سوالات کتاب ماه پاسخ داده بود، در بخش طنز، تنها ارائه یک توضیح را کافی دانست و گفت: در بخش طنز، برندگان ما دو نفر کاریکاتوریست بودند. حضور این کاریکاتوریست‌ها این سوء تفاهم را به وجود آورده بود که ما کاریکاتورها را هم داوری کرده‌ایم، در حالی که ما به دنبال داستان‌های تصویری بودیم و آن‌ها را از جنبه داستانی بررسی کرده بودیم. ما بخش کاریکاتور در جشنواره مطبوعات نداریم و قصد هم نداریم این بخش را به جشنواره اضافه کنیم؛ چرا که کاریکاتور، همواره با مسائل اجتماعی و سیاسی در ارتباط است و با دنیای کودکان چندان ارتباط ندارد. مجله «بچه‌ها... گل آقا» این پیشنهاد را ارائه کرد، اما ما نپذیرفتیم. تنها مجله‌ای که کاریکاتور چاپ می‌کند، همان بچه‌ها... گل آقا است و در بقیه نشریات، کاریکاتور خیلی کم است. به این ترتیب، اگر می‌خواستیم چنین بخشی به جشنواره اضافه کنیم تمام برندگان مان را باید از مجله بچه‌ها... گل آقا پیدا می‌کردیم.

افسانه شعبان‌نژاد و علی خانجانی، داوران بخش نهم، یعنی داستان مخاطبان بودند. در این بخش، افسانه شعبان‌نژاد، به سوالات ما پاسخ گفت.





مصطفی رحماندوست، جعفر ابراهیمی و افشین علا داوران بخش شعر بودند.

در میان آن‌ها جعفر ابراهیمی، دبیر ششمین جشنواره مطبوعات کودک و نوجوان نیز بود. ابراهیمی، پیش از پرداختن به سؤالات ما درباره آینده جشنواره مطبوعات گفت: «در سال‌های آینده قصد داریم نمایشگاه مطبوعات را بین‌المللی کنیم. البته، جشنواره را نمی‌شود بین‌المللی کرد؛ چون در آن صورت، مجبوریم تمام مطالب مجلات کودک و نوجوان دنیا را بررسی کنیم! اما بد نیست نمایشگاهی از مجلات دنیا، در کنار مجله‌های ایرانی برپا شود که فکر می‌کنم تأثیرات مثبتی در روند پیشرفت مجله‌های ما هم داشته باشد.»

در ادامه ابراهیمی، هم به عنوان دبیر جشنواره و هم به عنوان داور بخش شعر، به سؤالات کتاب ماه، این گونه پاسخ داد:

۱. امسال داورى تفاوت‌هایی با سال‌های گذشته داشت که می‌گوییم: نخست این که خلاف سال‌های گذشته که داورها به وسیله مدیر اجرایی انتخاب می‌شدند و دبیر جشنواره آن‌ها را تایید می‌کرد، امسال خود من تک تک آن‌ها را با مشورت‌هایی که با افراد گوناگون داشتیم، انتخاب و سعی کردم که از هر نشریه معتبر یک داور انتخاب بکنم یا از آن‌ها بخواهم یک داور انتخاب بکنند. در مواردی، آن‌ها داورى را قبول کردند و در مواردی هم کسانی را معرفی کردند که من یکی از آن‌ها را انتخاب کردم. در واقع، هدفم این بود که خود نشریه‌ها هم سهمی در داورى داشته باشند.

تفاوت دوم این بود که خوشبختانه، امسال بافت داورى‌ها خیلی هماهنگ بود. با آن که از گروه‌های مختلف داورها را انتخاب کرده بودیم، ولی انتخاب‌هایشان خیلی به هم نزدیک بود و در جلسه نهایی، جز در یکی دو مورد، اختلاف نظر چندانی وجود نداشت. من با اطمینان می‌توانم بگویم که امسال، سعی شده که داورها کاملاً بی‌طرفانه عمل کنند و حق کسی ضایع نشود. من در تمام داورى‌ها، به عنوان دبیر جشنواره حضور داشتم و می‌دیدم که بعضی از جلسه‌های نهایی که معمولاً باید یکی دو سه ساعت طول می‌کشید، چندین روز ادامه پیدا می‌کرد.

۲. ما یک اساس‌نامه کلی برای جشنواره‌ها داریم و در نخستین جشنواره مطبوعات نیز اساس‌نامه‌ای تهیه شده که در بخشی از آن، به معیارهای انتخاب آثار هم اشاره‌هایی شده است. به هر حال، یک آیین‌نامه وجود دارد، اما آیین‌نامه‌هایی غیر رسمی هم در ذهن داورها هست، به این معنا که دوستان صاحب نظر و فعال در رشته‌های گوناگون، معیارهایی برای خودشان دارند و بر این اساس است که ما به آن‌ها احترام می‌گذاریم و آن‌ها را به عنوان داور انتخاب می‌کنیم. آن‌ها در طول سال‌ها تجربه اندوزی، خود به خود صاحب معیارهایی در ذهن‌شان شده‌اند، با این همه، ما در اساس‌نامه به چند معیار کلی نیز اشاره کرده‌ایم. این معیارها عبارت است از: تازگی، سوز، تناسب زبان و بیان با گروه سنی مخاطب، میزان تأثیر گذاری اثر،

شخص هم به جامعه معرفی می‌شود. من در بخش مخاطبان، چهره‌های نوجوان را بررسی کردم و به نظر من، کارهای بسیار ارزشمندی در این بخش وجود داشت.

۲. ملاک‌هایی وجود داشت. بیشتر این معیارها را دبیرخانه جشنواره، در انتخاب آثار ارسالی اعمال می‌کند. مثلاً سن شاعر باید زیر ۱۸ سال باشد، آثار شاعر باید از نظر کمیت و کیفیت قابل ملاحظه باشد. داشتن اطلاعات و معیارهای ادبی هم که جای خود را دارد.

۳. اگر همه مطبوعات جایی به مخاطبان اختصاص بدهند، این داورى به حق تر خواهد بود، اما در این داورى، ما مشکل خاصی نداشتیم و به نظر من یکی از داورى‌های مناسبی بود که در سال‌های اخیر انجام داده بودیم.

۴. نفر برترمان، خانم نگار رهبر، در تمام مجلات آثارش چاپ شده است و قالب‌های چارپاره و نیمایی و غیره را خیلی خوب می‌شناسد و با این که فقط ۱۴ سال دارد، با شعر فارسی آشناست.

امیرحسین فردی، محمدرضا پایرامی و حمیدرضا شاه آبادی، داوران بخش داستان تالیفی بودند. از بین آن‌ها توانستیم با حمیدرضا شاه آبادی، گفت و گویی انجام دهیم. او در پاسخ ما گفت:



۱. داورى امسال، به نظر من با سال‌های قبل تفاوت چندانی نداشت من چند سال پیشی است که داورى این جشنواره را برعهده می‌گیرم. شرایط تقریباً مثل سال‌های قبل بود و ما با انبوهی از آثار مواجه بودیم که خیلی با هم تفاوت نداشتند. البته، می‌شود گفت که بعضی از آن‌ها به لحاظ کیفیت از بقیه برتر بودند، اما یک سطح متوسط در میان اغلب آثار وجود داشت.

۲. آیین‌نامه‌ای که ملاک‌ها را در خودش جا داده باشد، تهیه نشده بود، اما داوران روی آثار برگزیده، اتفاق نظر داشتند. به عنوان مثال، وفاداری اثر به تکنیک‌ها و ویژگی‌های ادبی، نحوه انتقال اثر به خوانندگان و چگونگی ارتباط آن با مخاطبان، مد نظر داوران بوده است.

۳. از آنجا که داورى شرایط خاصی را می‌طلبد، همیشه کار مشکلی است؛ شرایطی مثل توجه به جایگاه یک نویسنده یا توجه به شرایط محیط. بنابراین، وقتی داورى انجام می‌شود، خود به خود مشکلاتی به وجود می‌آید و این مشکلات، به غیر از قسمت‌های حاشیه‌ای است که در همه جشنواره‌ها وجود دارد. حاشیه‌ها قبل از این که شما رای را صادر کنید، به وجود می‌آیند و تا مدت‌ها بعد از اعلام رای هم ادامه دارند.

۴. دو اثر برگزیده هیات داوران در بررسی نهایی، داستان آخرین پدر بزرگ، از آقای محمدحسن حسینی بود و داستان پدر گیاه شناس من، از آقای داوود غفارزادگان. هیات داوران در انتخاب اثر برتر از میان این دو اثر که هر دو ویژگی‌های خاصی داشتند، مردد بود، اما چون کار آقای حسینی، به فضای واقعی نزدیک‌تر بود و کار آقای غفارزادگان بیشتر فضای ذهنی داشت، با علم به توانمندی‌های تکنیکی اثر آقای غفارزادگان، اثر آقای حسینی به عنوان اثر برتر معرفی شد.



تازگی در قالب و نحوه ارائه، انسجام کلی ساختمان متن و در پایان، در نظر گرفتن جنبه‌های مطبوعاتی و ژورنالیستی کار. منظور از جنبه‌های مطبوعاتی این است که متن خسته کننده نباشد و در عین حال که مطلب جالب و آموزنده و ادبی است، با زبانی شیرین و راحت و سرگرم کننده ارائه شود.

۳. ما در این جشنواره‌ها از سه سال پیش، روش خاصی در پیش گرفته‌ایم که فکر می‌کنم تا حالا خوب جواب داده است و آن روش، این است که آثار انتخابی را در سه نسخه تهیه می‌کنیم و برای هر داور یک نسخه می‌فرستیم؛ چون هر رشته‌ای سه نفر داور دارد. داورها بدون این که از نظر هم اطلاع داشته باشند، آرای شان را می‌نویسند و این آرا وقتی به دفتر جشنواره می‌رسد، تفکیک می‌شود و آثاری که نمره بالاتر گرفته‌اند، به مرحله نهایی می‌روند. در پایان و در جلسه نهایی، این آثار داور می‌شوند. این عملکرد چند فایده دارد. یکی آن که به داورها احترام گذاشته می‌شود و در خانه شان آثار تحویل می‌شود و به زحمت نمی‌افتند. دیگر این که در کشور ما متأسفانه، به دلیل این که اکثر صاحب نظران خودشان صاحب اثر هستند، سخت داور می‌قبول می‌کنند و به همین دلیل، بیشتر جشنواره‌ها مجبور می‌شوند به سراغ افرادی بروند که در درجه دوم یا سوم هستند. یاد می‌آید در جشنواره ۲۰ سال ادبیات نویسندگان کودک و نوجوان، از همه اعضا رای گرفته بودند که چه کسانی داور شوند. مثلاً به آقای امین پور، خیلی رای داده بودند و نفر اول شده بود و بقیه پشت سر او قرار گرفته بودند. از یک شروع شده بود تا حدود ۱۰۰ رسیده بود. مثلاً خود من نفر سی و ششم بودم. بعد این‌ها از داورهایی که نمره آورده بودند، پرسیدند شما می‌خواهید داور شوید؟ نفر اول گفته بود نه، نفر دوم گفته بود نه و همین طور پیش رفته بود تا رسید به نفر هشتم. بعد از هشتم کسانی بودند که نویسنده‌ها و شاعران، کم‌تر به آن‌ها رای داده بودند و داورها از میان آن انتخاب شده بودند. برای همین، ما برای این که بتوانیم از داورهای بهتر استفاده کنیم، حق الزحمه‌ها را بالا گرفتیم تا داور اگر اثری دارد، بتواند از اثرش بگذرد و بداند که به اندازه یک برنده می‌تواند حق الزحمه بگیرد. ضمن این که در جشنواره دو ساله، کار خیلی زیاد است و بررسی آن همه اثر هم خیلی مشکل است. البته ما بیشتر سعی مان این بوده که داورها از کسانی انتخاب شوند که صاحب اثر نیستند و افراد بی طرفی باشند. امسال هم می‌توانم به جرات بگویم که داوران، همگی با انصاف بودند. حتی داورهایی را می‌دیدم که با اشخاص خاصی کدورتی داشتند، اما به اثر آن‌ها نمره بالایی داده بودند.

ما در عمل، دو مشکل دیگر داشتیم. یکی این که بعضی از نشریه‌ها نسخه‌هایی از نشریه شان نداشتند و ما مجبور بودیم این‌ها را به هر نحوی شده، تهیه کنیم. به همین منظور، ما از کتابخانه مرجع کانون کمک گرفتیم. مجبور شدیم منگنه‌های مجلدات کتابخانه کانون را باز کنیم و کپی بگیریم. خوب است نشریه‌ها نسخه‌هایی از کارهای شان را برای این جشنواره نگه دارند یا در پایان هر سال، برای کانون ارسال کنند. البته بعضی از نشریات،

خیلی خوب با ما همکاری کردند و دو یا سه نسخه از شماره‌های شان را به ما دادند.

در سال‌های گذشته تجربه نامطلوبی داشتیم و آن، این بود که در هر رشته، سه نفر برنده اعلام می‌کردیم. این طوری تعداد برنده‌ها خیلی زیاد می‌شد و همه می‌گفتند: کانون می‌خواهد همه را راضی نگه دارد. همین امر، ارزش معنوی کار را کم می‌کرد. بنابراین، امسال سعی کردیم در هر رشته، فقط یک برنده داشته باشیم. درجات را هم از بین بردیم و اول و دوم و سوم انتخاب نکردیم و جوایز را طوری در نظر گرفتیم که میزان آن، نشان دهنده رتبه نفرات باشد. البته در بعضی رشته‌ها، چند کار خوب بالا می‌آمد و قضاوت را مشکل می‌کرد. در این موارد، دو برنده مشترک یا دو برنده مختلف اعلام کردیم.

۴. بعد از گذشت این همه مدت، حضور ذهن ندارم تا همه آثار را در نظر بیاورم، اما در آثار مخاطبین، شعری بود از خانم نگار رهبر که به نظر من، کار خیلی زیبایی بود و لوح زرین هم گرفت. به نسبت سن‌شان، کارش به شاعران بزرگسال پهلوی می‌زد و از آن کسانی است که می‌تواند در آینده شاعر خوبی باشد.

آخرین بخشی که در جشنواره مطبوعات امسال داور می‌شد، بخش داستان ترجمه بود. در هیات داور این بخش، زهرا احمدی، شهرام اقبال‌زاده و دکتر علی عباسی حضور داشتند. شهرام اقبال‌زاده، به چهار سؤال ما پاسخ گفت که از نظرتان می‌گذرد:

۱. من فکر می‌کنم همان روند را طی می‌کند؛ چه از نظر کیفیت داور می، چه از جنبه‌های دیگر. البته، من فقط درباره بخش داستان ترجمه، این موضوع را بیان می‌کنم. من در دوره قبل نیز داور داستان ترجمه بودم و کم و بیش همان روند را داشتیم؛ خصوصاً که متأسفانه در زمینه داستان ترجمه، در مطبوعات ما چندان تحولی رخ نداده و حتی بعضی از داستان‌ها تکراری بود. البته، شمار نویسندگانی جوان و تازه کار، زیاد شده که این خودش امید بخش است. با این همه و با وجود این همه منابع، خصوصاً اینترنت، معمولاً مترجمان ما به دنبال کارهای جدید نیستند.

۲. آیین نامه داور می نداشتیم. پشتوانه تجربی خود دوستان، ملاک داور می‌ها بوده است. جدا از این، برای ارزیابی داستان، معیارهای مشخصی وجود دارد که همه روی آن‌ها توافق داشتیم.

۳. یکی از مشکلات، این بود که کار کودک خیلی کم بود و بیشتر کار نوجوان وجود داشت. دبیرخانه هم تصمیم گرفته بود این دو بخش تفکیک شوند و حتماً از کارهای کودک هم برنده داشته باشیم.

۴. کاری بود از خانم منیژه نصراللهی، با نام «نبرد بادبادک‌ها»، اثر بارناس رامول فورچون. او، هم انتخاب خوبی داشت و هم ترجمه خوبی کرده بود و ضمن وفاداری به متن اثر، از نظر نگارش فارسی و انتخاب داستان موفق بود؛ البته در سطحی نبود که جایزه اول را بگیرد.